سناریوی عجیب زن جوان برای کشتن شوهرش

مرد اجیر شده از قتل تاجر پشیمان شد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ زن خیانتکار بعد از اینکه نقشه قتل شوهرش را با همدستی دو قاتل اجاره‌ای اجرا کرد برای اینکه ردی از این جنایت بر جا نگذارد مردی غریبه را با مدارک شوهرش به خارج از کشور فرستاد تا وانمود کند همسرش از کشور خارج شده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، غروب یکی از روزهای بهاری سال گذشته وقتی تاجر ثروتمندی از سرکار به خانه‌اش برگشت همسرش با لیوان آبمیوه تازه به استقبالش آمد اما وقتی مرد جوان نوشیدنی‌اش را سرکشید لحظاتی بعد احساس سرگیجه کرد و روی مبل نشست. هر چه زمان بیشتر می‌گذشت حالش وخیم‌تر می‌شد تا حدی که دیگر چشمانش به خوبی نمی‌دید اما در حالی که هنوز نیمه هوش بود همسرش را دید که در خانه را باز کرد و ناگهان دو مرد ناشناس وارد اتاق شدند و به سمت او آمدند. مرد تاجر که توان حرکت نداشت فقط سایه دو مرد را بالای سرش دید و لحظاتی بعد مردان ناشناس دست و پاهایش را بسته و او را خفه کردند.

همسر مرد تاجر که در تمام این مدت شاهد جنایت بود بعد از اینکه مطمئن شد شوهرش کشته شده به دو قاتلی که اجیر کرده بود دستور داد جسد شوهرش را هر چه سریعتر از خانه خارج کنند. آنها نیز جسد را در صندوق عقب خودرو مقتول جاساز کردند و به دستور زن جوان راهی یکی از شهرهای شمالی کشور شدند. چند ساعتی طول کشید تا آنها به ویلای مقتول رسیدند، در را باز کرده و جسد را داخل بشکه اسیدی که از قبل آماده کرده بودند انداختند. بعد از چند روز هم جسد را داخل چاهی ۵ متری انداختند و رویش را با خاک پوشاندند تا هیچ سرنخی از خود برجا نگذارند.



یک سال بعد

با گذشت یک سال از این جنایت مرد جوانی به اداره آگاهی پایتخت رفت و گفت: «من دوستی داشتم به نام مسعود که تاجر ثروتمندی بود و با هم کار می‌کردیم گذشته از همکاری دوستان صمیمی هم بودیم اما مدتهاست از او خبری ندارم. هرچه با تلفنش تماس گرفتم جواب نداد حتی در شبکه‌های اجتماعی هم فعالیتی ندارد وقتی با همسرش تماس گرفتم او مدعی شد مسعود به سفر خارج از کشور رفته است اما این خیلی عجیب است چون مسعود همیشه برنامه سفرهایش را به من می‌گفت و مطمئنم که او از کشور خارج نشده است. نگرانش هستم و احتمال می‌دهم برای او اتفاقی رخ داده باشد.

با شکایت مرد جوان، تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره آگاهی آغاز شد، در اولین گام تیم پلیسی به سراغ همسر مسعود رفتند اما وی در کمال خونسردی اظهار کرد که همسرش حدود یک سال قبل برای انجام کاری به خارج از کشور رفته و خبری هم از او ندارد.

به‌دنبال اظهارات زن جوان، بلافاصله از پلیس استعلام شد و پلیس گذرنامه خروج مرد تاجر از ایران را تأیید کرد. اما در ادامه یک سؤال مهم پیش روی تیم جنایی قرار گرفت آن هم این بود که چرا وی با وجود دو فرزند در این مدت هیچ پیام یا تماسی با خانواده‌اش نگرفته است! از سوی دیگر همسرش با وجود این بی‌خبری طولانی مدت هیچ نگرانی و ناراحتی نداشت و حتی یک بار هم پیگیر اطلاع از سرنوشت شوهرش نشده بود. بنابراین برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، کارآگاهان زن جوان را زیر نظر گرفتند و خیلی زود مشخص شد وی از حدود ۲ سال قبل با مردی به نام احمد رابطه پنهانی دارد.

با بدست آمدن این سرنخ و احتمال قتل مرد جوان، دستور بازداشت همسر وی از سوی بازپرس دادسرای امور جنایی تهران صادر و زن جوان بازداشت شد. او ابتدا منکر جنایت بود اما در مواجهه با مدارک پلیسی لب به اعتراف گشود و گفت: «همسرم وضع مالی خوبی داشت و برای صادرات و واردات کالا به خارج از کشور می‌رفت. چند سال قبل به درخواست من خواهگاهی برای زنان و دخترانی که در تهران جایی برای زندگی نداشتند، احداث کردیم. برای مدیریت خوابگاه زنی را استخدام کردیم بعد از مدتی او گفت که یک سری سنگ‌های قیمتی دارد و می‌خواست سنگ‌های عتیقه‌اش را بفروشد به همین خاطر از مردی به نام احمد که متخصص سنگ‌های عتیقه بود خواست روی وسایلش قیمت‌گذاری کند. من در آنجا با احمد آشنا شدم و کم کم رابطه دوستی بین ما شکل گرفت. من و احمد بهم علاقه‌مند شده بودیم، اما من متأهل بودم و نمی‌توانستم با او ازدواج کنم به همین خاطر تصمیم گرفتم با کمک احمد شوهرم را به قتل برسانم.»

زن جوان ادامه داد: «احمد از مرد میانسالی به نام حجت و دوستش که ساکن غرب کشور بودند خواست که همسرم را به قتل برساند. اما حجت بعد از چند روز پشیمان شد و گفت نمی‌تواند مسعود را بکشد. می‌گفت از نظر او مسعود مرد محترم و بی‌گناه و بی‌آزاری است و او نمی‌خواهد دستش به خون یک آدم بی‌گناه آغشته شود و دست به قتل نمی‌زند. بعد از اینکه حجت از این کار کنار کشید احمد دو مرد افغانستانی را اجیر کرد قرار شد به آنها ۵ میلیارد تومان بدهد که قتل را انجام دهند. وقتی آنها شوهرم را کشتند با کمک یک جاعل پاسپورتی با مشخصات و هویت شوهرم جعل کردیم و یک نفر را با مدارک همسرم و گریم چهره‌اش به خارج از کشور فرستادیم تا وانمود کنم مسعود از ایران رفته است. وقتی این نقشه را هم عملی کردیم مدتی بعد همان فرد با مدارک خودش به کشور بازگشت.»

با اعترافات زن جوان، احمد و دو مرد افغانستانی که دست به جنایت زده بودند نیز دستگیر شدند. حجت هم که در نیمه راه از قتل پشیمان شده بود به اتهام مخفی نگه داشتن این ماجرا بازداشت شد و تحقیقات از متهمان در اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

نمی خواستم یک بی‌گناه را بکشم

حجت، ۵۰ ساله، کارمند بازنشسته، در کار خرید و فروش عتیقه و سنگ‌های قیمتی است اما ۵ میلیارد تومان هم نتوانست او را وسوسه کند تا قتلی مرتکب شود.

چرا احمد به تو پیشنهاد قتل داد؟

من با احمد به واسطه یکی از دوستانم آشنا شدم من در کار خرید و فروش عتیقه‌جات و سنگ‌های قیمتی بودم که از پدرم به من ارث رسیده بود. در منطقه محل زندگی ما اگر کسی عتیقه و زیرخاکی پیدا می‌کرد به سراغ من می‌آمد تا روی آنها قیمت‌گذاری کنم. البته اوایل احمد به من گفته بود ایرانی نیست و شیخ یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس است. دو یا سه سالی بود که احمد گاهی به شهر ما می‌آمد و او را می‌دیدم. تا اینکه با من تماس گرفت و گفت مقداری سنگ و عتیقه دارد و از من خواست به همراه یکی از دوستانم به تهران بیایم. وقتی رسیدیم گفت کار مهمی با تو دارم. در سال‌هایی که در خارج از کشور بودم، همسرم با مردی آشنا شده و غیابی از من طلاق گرفته و به عقد موقت مردی به نام مسعود درآمده است. می‌خواهم زهر چشمی از مسعود بگیری. بعد از چند روز گفت اگر او را با ماشین زیر بگیری و تصادف را یک حادثه جلوه دهی به تو پول خوبی می‌دهم.

برای این کار چقدر پیشنهاد داد؟

۵ میلیارد تومان برای من و دوستم به اضافه اینکه گفت هزینه دیه و بیمارستان و خسارت‌هایی را که به ماشین وارد می‌شود پرداخت می‌کنم. ولی با صحنه‌سازی تصادف را یک حادثه نشان بده و من هزینه کامل را پرداخت می‌کنم.

چرا برای این کار تو را استخدام کردند؟

برای اینکه احمد از قتل می‌ترسید، من آدم جسور و نترسی هستم اما زمانی که مقتول را دیدم و پیگیری کردم متوجه شدم واقعیت ماجرا چیز دیگری است و منصرف شدم. من می‌دیدم که او با چه عشق و علاقه‌ای بچه هایش را به پارک می‌برد و دوچرخه بچه‌ها را به ماشین وصل می‌کند. مرد محترم و سالمی بود و من منصرف شدم. هرچند ۵ میلیارد تومان، پول وسوسه کننده‌ای بود. اما من وجدانم اجازه نمی‌داد که او را با ماشین زیر بگیرم و به قتل برسانم. برای همین به احمد گفتم من این کار را نمی‌کنم و او دو مرد افغانستانی را برای این کار اجیر کرد. ولی من یک اشتباه بزرگ کردم باید به پلیس خبر می‌دادم که آنها قصد جنایت دارند اگر این کار را کرده بودم هم آن مرد جوان زنده می‌ماند و هم خودم امروز گرفتار نمی‌شدم.

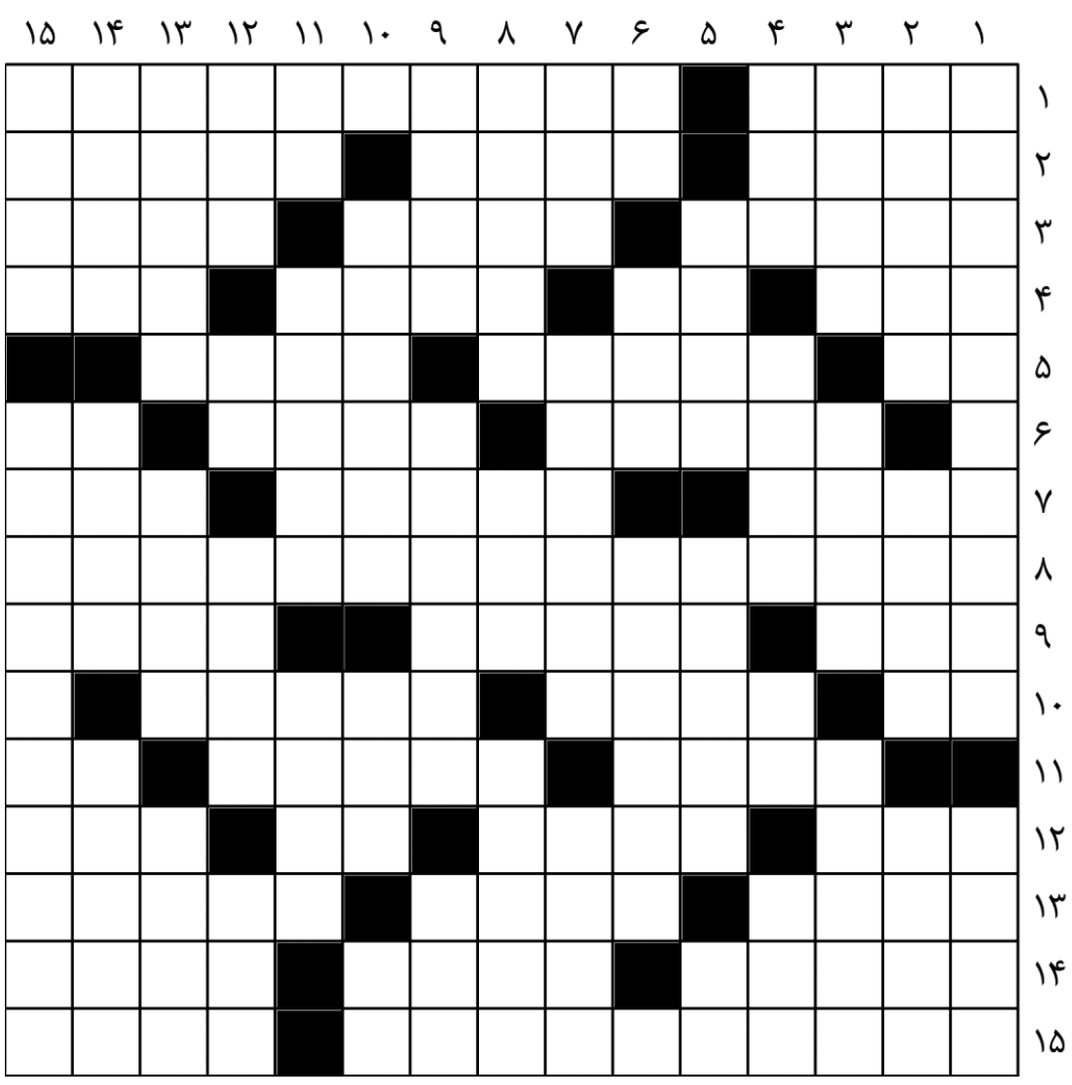
هشدار پلیس

نکات ایمنی برای پیشگیری از سرقت مغازه ها

یکی از اماکنی که به طور معمول در معرض سرقت هستند مغازه‌های اصناف به خصوص طلافروشی‌ها هستند. برای پیشگیری از وقوع سرقت، کسبه باید نکات خاصی را رعایت کنند. به عنوان مثال نصب کرکره محافظ مقابل در ورودی، دوربین مداربسته و آژیر خطر و دزدگیر در مغازه‌ها از موارد ضروری است. همچنین کسبه باید راه‌های کانال کولر پشت بام را هرچند کوچک باشد به وسیله جوش دادن چند میله محفوظ کنند تا امکان ورود افراد به مغازه بسته شود. در روزهای تعطیل به خصوص تعطیلات طولانی مدت حتماً به مغازه سرکشی وقفل‌ها را بازدید کنند. در صورتی که از قفل‌های آویز استفاده می‌شود آن را طوری نصب کنند که محل نصب قفل تا زمین حدوداً ۳۰ سانتیمتر فاصله داشته باشد. چنانچه در مجاورت یا پشت مغازه زمین یا ملک مخروبه‌ای وجود دارد دیوارهای مغازه را با آهن و بتون محکم و غیر قابل نفوذ کنند. از نگهداری پول نقد به مقدار زیاد در مغازه خودداری شود. مغازه خود را حتی برای مدت کوتاه در اختیار افراد کم سن و سال یا ناشناس و نا مطمئن قرار ندهند. به شاگردان مغازه هم اعتماد نکنند و خودشان مراقب اوضاع باشند. هنگامی که مشتری داخل مغازه است به هیچ عنوان محل را ترک نکنند. چنانچه گاوصندوق دارند باید به صورت مخفی در داخل دیوار جاسازی شود.

از خرید اموال، اشیا و جواهرات بدون فاکتور و مدارک کافی از افراد ناشناس جدا خودداری کرده، مراتب را به کلانتری اطلاع دهند. در حضور مشتری ناشناس به منظور آوردن بعضی اجناس مورد تقاضای وی به انبار و یا قسمت انتهای مغازه خود نروند.

یک جدول بادو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۳۸**



جدول عادی

افقی

۱ - بازرگان - هنر اصیل ایرانی
۲ - آجر نصفه - زبردست، استاد - ماترک
۳ - تک‌تک - خاستگاه و سرچشمه - شوره‌زار
۴ - دوازده ماه - آتش مازنی - تأسیس کننده - سمت
۵ - بازو - ضربه جسمی یا روحی - نوعی از طیور آبی
۶ - زن گندمگون - نوعی نان شیرین، داغ و خوش‌طعم - تشک موس
۷ - سمت چپ - جذب و کشش - اول
۸ - کارگردان سریال «از سرنوشت»
۹ - همدم، دوست - سنگینی معده - نویسنده
۱۰ - رایگان - آشکار کننده - از تنقلات آب شدنی
۱۱ - آب بدون املاح - تمدن باستانی - آب در لغت محلی
۱۲ - کوچه - مهراس - سطح، رویه - پسر عرب
۱۳ - گلی زینتی - نقش‌ها - مرخص شدن از بیمارستان
۱۴ - جمع روح - بارکش شهری - صاف و روشن
۱۵ - کتاب شعری از مولانا - آدم فعال

عمودی

۱-پینگ‌پنگ-سخن و حرف
۲-کاشکی-ابر-ارث‌برنده
۳-زیبایی-افسانه‌سرا-رقابت تلویزیونی استعدادیابی شغلی شبکه سوم
۴-بنده،غلام-یاغی‌گری-شکاف‌دادن‌خوشه‌خرما-کشتی جنگی‌بزرگ
۵-وسیله‌ای برای گرم کردن و جوشاندن آب-گاه بر ضابطه چیره شود-از صفات خداوند تعالی به معنی زنده جاوید
۶-دهان-پُرنمک-ریحان
۷-ایستگاه‌پیک‌ها-نوعی دواستقامت-واقع‌شدن
۸-هادی-حسد-لقب
۹-مرکز«لهستان»-معلم‌ثانی-امربه‌شنیدن
۱۰-چند استاد-رشته-جاروی دسته‌دار
۱۱-نیز-چسب نجاری-اسپری حالت دهنده مو
۱۲-شیرینی ازدواج و تولد-محل ورود-باران اندک-حسد
۱۳-کودک بازیگوش-صحرانشین-پنهان‌سازی
۱۴-نوعی طلاق-پنجه رکاب-میراب
۱۵-نام قدیم مدینه-فیلم یدالله صمدی

جدول ویژه

افقی

۱ - بوی خوش - از جوایز ادبی روسیه
۲ - اولیه - شهر «آلمان» - تنبل
۳ - کسی که به دوست خود کمک کند - مقابل «صعود» - غذای استان همدان
۴ - راه - پول کشور آفتاب تابان - نقشی در سریال «ستایش» - حرف عصایی
۵ - اسم زنانه فرنگی - شهر «گنبد جبلیه» - کم‌جرأت
۶ - سکونت داشتن - بانو - فریاد نزدیک
۷ - تمدنی در بین‌النهرین - بندر بوشهر - از عناصر اربعه
۸ - از خواص گیاه «گَوَن»
۹ - ماده بیهوشی - سرزمین «آمازون» - بازگشتن به وطن
۱۰ - شهر رازی - زندگانی - نمک‌نشناس
۱۱ - شهر «نپال» - درخور توانایی - بی‌رمق ندارد!
۱۲ - زرنگ - درنگ کردن - چهره، رخ - شوهر
۱۳ - بیهوده و بی‌معنی - زاری - چنگک
۱۴ - تهیدست، بیچاره - حاوی - محافظ عینک
۱۵ - التهاب پرده داخلی قلب - نیازمند آب

عمودی

۱ - بازیگر سریال آکازیون - خوش‌چهره
۲ - پایدار و ثابت - هنگامی که - نوعی طلاق
۳ - هجوم - شغل‌ها - از ارتفاعات همدان
۴ - ایستگاه فضایی - بیمارستان تهران - خاک بتونه - هم‌شو
۵ - محل آکروبات - عواقب بد - عیب و نقص
۶ - یک و دو - ظاهر عمارت - شهری در استان سیستان و بلوچستان
۷ - پول «کره جنوبی» - اثر یک انگیزه - توزیع کننده
۸ - مرتعش - فراموشی - نام مردانه
۹ - مهره جایگزین پول در رستوران - منجلاب - نشانه فعل استمراری
۱۰ - عنصر فلزی نرم و نُقره‌ای رنگ - جانشین - بینوا
۱۱ - علامت مصدر جعلی - فدیه - خرد و صغیر
۱۲ - برادر هم‌خون - تصدیق ایتالیایی - سرگرد سابق - عزیمت کرد
۱۳ - پادگان - یکی از شهرستان‌های استان هرمزگان - بلوا، آشوب
۱۴ - بخشی از اوستا - فیلم «جو رایت» - گوارا
۱۵ - خوابیده - فیلم محمد آهنگرانی با حضور اکبر عبدی فقید

حل جدول عادی شماره ۹۱۳۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ب	ا	ن	■	ا	ی	ن	ه	ش	م	ع	د	و	ن
۲	ب	ا	ب	ا	■	ک	ر	ه	■	ا	ش	ت	ی	ا	ق
۳	ق	و	■	ا	چ	ن	ه	■	ا	ل	ک	ی	■	م	ش
۴	ا	ر	و	م	ی	ه	■	ک	و	■	ی	ق	ر	■	ه
۵	■	■	ز	ی	ر	■	س	ل	ی	م	■	ه	ا	ر	ب
۶	ک	ا	ر	د	■	چ	و	ا	ن	ا	ن	■	ن	ه	ر
۷	ا	ر	ا	■	ک	ا	س	ه	■	ی	ا	س	■	ا	د
۸	غ	م	■	م	ن	چ	و	ق	د	و	ز	ی	■	س	ا
۹	ذ	■	غ	ر	و	ر	■	ر	غ	ن	ا	■	د	د	ر
۱۰	د	ر	و	■	ن	و	ا	م	و	ز	■	ش	و	ر	ی
۱۱	ی	ا	ر	ا	■	د	ر	ز	ی	■	ب	ک	ر	■	■
۱۲	و	■	ه	س	ت	■	ش	ی	■	ش	ه	ر	ی	و	ر
۱۳	ا	ه	■	ر	ا	ن	د	■	ا	ک	ی	پ	■	ر	و
۱۴	ر	و	ی	ا	ی	ی	■	چ	د	ا	■	ل	م	ا	ز
۱۵	ی	و	س	ف	پ	ی	ا	م	ب	ر	■	و	ز	ی	ن

حل جدول ویژه شماره ۹۱۳۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ز	ع	س	م	■	ک	ت	ا	د	و	ب	د	ب	م	ن
۲	ا	ن	س	ا	■	د	ک	ه	■	ل	ب	ل	ه	ت	ب
۳	ر	ا	■	ن	گ	ا	ه	■	س	و	ا	ل	■	س	ی
۴	ی	د	و	ف	ر	م	■	م	س	■	ل	ا	ت	■	ل
۵	■	■	د	ر	م	■	ه	ت	ر	ا	■	ن	ا	ی	ب
۶	د	ر	و	د	■	ا	خ	ت	ی	ا	ر	■	خ	ل	ا
۷	س	ع	د	■	ت	ن	ف	ر	■	ک	ا	س	ت	■	ه
۸	ت	د	■	ا	ن	د	ی	ک	ا	ت	و	ر	■	ر	و
۹	ن	■	ر	ا	ه	ی	■	ل	غ	و	ی	■	ت	ه	ی
۱۰	ز	ا	د	■	ا	ش	ک	ا	و	ر	■	س	ر	ا	ی
۱۱	ن	ش	ی	ب	■	ه	ر	ت	ز	■	ق	ی	س	■	■
۱۲	چ	■	ف	خ	ر	■	ن	ه	■	ا	ر	ش	ا	س	ب
۱۳	ی	ر	■	ا	ف	ا	■	ع	ن	ق	■	ا	■	ی	ه
۱۴	ز	و	د	ر	ن	چ	■	ز	د	ه	ی	■	و	ا	چ
۱۵	ه	م	ش	ا	گ	ر	د	ی	ه	ا	■	ب	ی	س	ت